

Comparison of Resilience, Coping Strategies, and Problem-Solving Skills between Rural and Urban High School Students in Boyer-Ahmad city

مقایسه میزان تاب‌آوری، راهبردهای مقابله‌ای و حل مسئله بین دانش‌آموزان دبیرستان روستایی و شهری شهرستان بویراحم

سیده طوبی آریائی

(نویسنده مسئول) کارشناسی ارشد رشته روانشناسی عمومی. آموزگار آموزش و پرورش

آریا آبیاری

مدرس دانشگاه‌های شهر یاسوج

Abstract

The present study aimed to compare the levels of resilience, coping strategies, and problem-solving skills between rural and urban high school students in Boyerahmad city. The statistical population in this study consisted of high school students from rural and urban schools in Boyerahmad County, from which a sample of ۲۰۰ individuals (۱۰۰ students from rural schools and ۱۰۰ students from urban schools) was selected using a multi-stage cluster sampling method. The research method was causal-comparative, and the researcher compared the research variables between the two groups. The instruments used in this study were the Connor-Davidson Resilience Scale (۲۰۰۳), the Endler and Parker Coping Styles Questionnaire (۱۹۹۰), and the Hepner Problem-Solving Inventory (۱۹۸۲). The results were analyzed using SPSS-۲۵ software. The method of data analysis was analysis of variance. The results of the study showed that there is a significant difference between rural and urban high school students in Boyerahmad city in terms of resilience, coping strategies, and problem-solving. Also, the results of one-way analysis of variance showed that there is a significant difference between rural and urban high school students in Boyerahmad city in terms of resilience, there is a significant difference between rural and urban high school students in Boyerahmad city in terms of coping strategies, and there is a significant difference between rural and urban high school students in Boyerahmad city in terms of problem-solving.

Keywords: Resilience, coping strategies, problem-solving.

چکیده

پژوهش حاضر به منظور مقایسه میزان تاب‌آوری، راهبردهای مقابله‌ای و حل مسئله بین دانش‌آموزان دبیرستان روستایی و شهری شهرستان بویراحم بود. جامعه آماری در این پژوهش دانش‌آموزان دبیرستان مدارس روستایی و شهری شهرستان بویراحم بود که تعداد ۲۰۰ نفر (۱۰۰ نفر دانش‌آموز مدارس روستایی و ۱۰۰ نفر از دانش‌آموزان مدارس شهری) که به‌عنوان نمونه و به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای انتخاب شدند. روش پژوهش حاضر از نوع علی مقایسه‌ای بود و محقق به مقایسه متغیرهای پژوهش در دو گروه پرداخته است. و ابزار مورد استفاده در این پژوهش پرسش‌نامه تاب‌آوری کونور و دیویدسون (۲۰۰۳)، پرسش‌نامه سبک‌های مقابله‌ای اندلر و پارکر (۱۹۹۰) و پرسش‌نامه حل مسئله هپنر (۱۹۸۲) بودند. تحلیل نتایج با استفاده از نرم افزار SPSS-۲۵ انجام گرفت. روش تجزیه و تحلیل داده‌ها روش تحلیل واریانس بود. نتایج پژوهش نشان داد که بین دانش‌آموزان دبیرستان‌های روستایی و شهری شهر بویراحم از نظر تاب‌آوری، راهبردهای مقابله‌ای و حل مسئله تفاوت معناداری وجود دارد. و همچنین نتایج تحلیل واریانس یک راهه نشان داد که بین دانش‌آموزان دبیرستان‌های روستایی و شهری شهر بویراحم از نظر تاب‌آوری تفاوت معناداری وجود دارد، بین دانش‌آموزان دبیرستان‌های روستایی و شهری شهر بویراحم از نظر راهبردهای مقابله‌ای تفاوت معناداری وجود دارد و بین دانش‌آموزان دبیرستان‌های روستایی و شهری شهر بویراحم از نظر حل مسئله تفاوت معناداری وجود دارد.

کلمات کلیدی: تاب‌آوری، راهبردهای مقابله‌ای، حل مسئله.

➤ مقدمه

در جامعه‌ای که نظام آموزشی آن از نظر سطح گستردگی در حد فراگیرنده نباشد و برای تمام گروه‌ها از نظر توانایی‌ها و ناتوانی‌ها نتوانند امکانات آموزشی مناسب را فراهم کنند، مسئله عدم وجود فرصت‌های برابر به طور بارزی جلوه‌گر می‌شود (سیف، ۱۳۹۴). گرچه جامعه و امکانات آن برای این شکل گرفته‌اند تا بتوانند، هم در دسترس همگان باشند و هم اینکه همگان فرصت لازم برای بهره گرفتن از آن را داشته باشند، در آن صورت چگونه می‌توان عده‌ای را صرفاً به خاطر محدود بودن پاره‌ای از توانایی‌هایشان از این حق اجتماعی محروم کرد؟ دانش‌آموزان روستایی یکی از گروه‌هایی هستند که بیشترین آسیب را از این محدودیت‌های آموزشی می‌بینند (دمبو، ۲۰۱۷). بنابراین مسلم است که دانش آموزی که توانایی‌هایش محدودتر است باید امکانات آموزشی مناسب‌تری در اختیارش قرار گیرد تا بتواند موانع موجود در روند یادگیری را برطرف سازد و هدف از ایجاد مدارس و نظام آموزشی رسمی و همگانی بهره‌گیری تمامی دانش‌آموزان خصوصاً دانش‌آموزان روستایی و محروم است، درحالی که عملاً شاهد کنار گذاشته شدن تدریجی آنها هستیم. شناسایی و رفع موانعی که بر سر این راه است، می‌تواند به پیشرفت تحصیلی کمک کرده و در رفع موانع آن موثر باشد و علاوه بر آن می‌تواند موجب صرفه جویی در زمان و هزینه‌های مادی و معنوی گردد (هارلوو، ۲۰۱۶). یکی از مهم‌ترین پیشرفت‌های نیمه دوم قرن بیستم پیدایش نظریه‌هایی است که بر نقش فرایندهای عالی موثر بر مهار و هدایت فرایندهای شناختی تاکید می‌کند. در اواخر قرن بیستم و اوایل قرن بیست و یکم می‌توان ورود سازه تاب‌آوری را به عرصه ادبیات روان‌شناسی تحولی، انقلابی نو در نحوه نگرش روان‌شناسان، روان‌درمانگران، روان‌پزشکان و مددجویان به شمار آورد، به گونه‌ای که پیش از این برای افرادی که در معرض سوءاستفاده قرار می‌گرفتند یا شرایط ناگوار زندگی را تجربه کرده بودند، آینده‌ای تاریک و نه چندان خوشایند متصور می‌شدند، اما شناسایی تاب‌آوری بینشی دگرگون و امیدوارانه برای ساختن فردای افراد و نجات بزرگسالان پدید آورد. تاب‌آوری خصیصه‌ای است که به صورت کاملاً طبیعی رخ می‌دهد (لمی و غزل، ۲۰۰۱). تاب‌آوری اشاره به فرایندی پویا دارد که انسان‌ها در زمان مواجهه با شرایط ناگوار یا ضربه‌های روحی به صورت رفتار انطباقی مثبت از خود نشان می‌دهد (لوتر، چیچتی و بیکر، ۲۰۰۰).

علاوه بر تاب‌آوری یکی دیگر از متغیرهای اثرگذار بر موفقیت تحصیلی در دانش‌آموزان چگونگی استفاده آنها از راهبردهای مقابله‌ای می‌باشد. لازاروس و فولکمن (۱۹۸۴) راهبردهای مقابله‌ای را به‌عنوان مجموعه‌ای از پاسخ‌های رفتاری و شناختی که هدفشان به حداقل رساندن فشارهای موقعیت استرس‌زا است، تعریف کرده‌اند. بیلینگز و موس (۲۰۱۲) راهبردهای مقابله‌ای را مرکب از شناخت و رفتارهایی می‌دانند که فرد برای ارزیابی و کاهش استرس و برای اداره کردن و تعدیل کردن آن استفاده می‌کند. لازاروس و فولکمن (۱۹۹۵)؛ به نقل از رستمی، احدی و چراغعلی گل، ۱۳۹۲) مقابله را تلاش‌های فکری، هیجانی و رفتاری فرد می‌دانند که هنگام روبه‌رو شدن با فشار روانی به‌منظور غلبه کردن، تحمل کردن یا به حداقل رساندن عوارض فشار روانی به کار گرفته می‌شود، تعریف کرده‌اند. از نظر آنها دو نوع راهبرد مقابله‌ای وجود دارد، مقابله مسئله مدار و هیجان‌مدار. مقابله مسئله مدار راهبرد شناختی رو در رو شدن مستقیم یا مشکلات خود و تلاش برای حل کردن آنهاست. مقابله هیجان‌مدار تلاش برای پاسخ‌دهی هیجانی به استرس، خصوصاً به کمک مکانیزم‌های دفاعی است؛ بنابراین از این طریق کمک می‌کنند تا طلاق عاطفی در زوجین تا حد بسیار زیادی کاهش یابد.

دانش‌آموزان مدارس بنابر امکانات رفاهی و تحصیلی در برخورد با مسائل مربوط به کلاسی و... متفاوت‌اند و دانش‌آموزان مدارس شهری توانایی بیشتری در این مهارت دارند. مهارت حل مسئله به موقعیتی اطلاق می‌شود که در یک موقعیت معین، رسیدن به یک هدف بدون داشتن راه‌حل روشن مدنظر باشد (مایر، ۲۰۰۳). مسئله زمانی به وجود می‌آید که ارگانیزم نتواند به‌سادگی از موقعیت موجود به موقعیت مطلوب برسد و برای رسیدن به هدف نیازمند بهره جستن از فرایندهای شناختی باشد (دانکر، ۱۹۴۵). به بیان دیگر هر موقعیتی در زندگی روزمره که افراد طی آن بخواهند بدون داشتن راه‌حل معین از وضعیت فعلی به موقعیت هدف برسند را می‌توان یک مسئله نامید. حل مسئله به‌عنوان فرایندی شناختی تعریف

می‌شود که افراد طی آن به هدفی دست می‌یابند که در ابتدا راه‌حلی برای آن نداشتند (مایر و ویتراک، ۲۰۰۶). از حل مسئله تحت عنوان فرایندی اکتشافی یاد می‌شود که از آن برای کشف استقرایی و قیاسی استفاده می‌شود و چارچوبی برای تصمیم‌گیری هدفمند ایجاد می‌کند (میرزایی، طباطبایی و مکوندی حسینی، ۱۴۰۰). حل مسئله فرایندی شناختی رفتاری ابتکاری است که به واسطه آن افراد تلاش می‌کنند، برای مسائلی که در زندگی روزمره با آن مواجه می‌شوند راه‌حلی مؤثر و انطباقی پیدا کنند (کسیدی و لانگ، ۱۹۹۶). دانش‌آموزان مدارس شهری به دلیل امکانات بیشتر، حضور در کلاس‌های تقویتی و کلاس‌های خصوصی، تقویت ذهن و روحیه بالا، اعتماد به نفس بیشتر مهارت حل مسئله بالاتری را دارند و این عوامل نسبت به دانش‌آموزان مدارس روستایی بالاتر هستند. در این تحقیق محقق به دنبال واکاوی و مشخص کردن این متغیرها و مقایسه این متغیرها بر روی دانش‌آموزان روستایی و شهری بود و تلاش نمود تا این میزان را با هم در زمینه متغیرهای گفته شده مقایسه نماید و بتواند برای کمک به آنها و حل این تضاد راهکارهایی ارائه دهد و لذا سؤال اصلی این تحقیق این است که آیا بین دانش‌آموزان دبیرستان روستایی و شهری شهرستان بویراحمد از نظر تاب‌آوری، راهبردهای مقابله‌ای و حل مسئله تفاوت وجود دارد؟

سؤالات پژوهش

۱- آیا بین دانش‌آموزان مدارس روستایی و شهری از نظر تاب‌آوری تفاوت معناداری وجود دارد؟

۲- آیا بین دانش‌آموزان مدارس روستایی و شهری از نظر راهبردهای مقابله‌ای تفاوت معناداری وجود دارد؟

۳- آیا بین دانش‌آموزان مدارس روستایی و شهری از نظر حل مسئله تفاوت معناداری وجود دارد؟

مبانی نظری و پیشینه پژوهش

زندگی شهری و روستایی تفاوت‌های اساسی با یکدیگر دارند، شهر بزرگ و کوچک زمینه‌های منحصربه‌فردی برای تحول کودک و دانش‌آموزان فراهم می‌کند (عباس‌پور و همکاران، ۱۴۰۳). زندگی پررونق شهری، اطلاعات لازم برای تحول کودکان را فراهم می‌کند و در شهر جمعیت زیاد است و مدارس نیز بزرگ هستند که همین امر باعث افزایش دانش اجتماعی می‌شود. زندگی روستایی ساده‌تر است و برای زندگی روستایی، نیاز به هوش بالایی نیست و دانش‌آموزی که در روستا زندگی می‌کند به طور روزمره کمتر با موانع و تجربه‌های جدید رو به رو می‌شود (هولت^۱، ۲۰۲۱). در مناطق روستایی مشکلات بسیاری وجود دارند که ممکن است هر کدام از آنها عامل خطری برای تحمیل شناختی و عاطفی مانند: عدم دسترسی به خدمات اجتماعی مانند کتابخانه‌ها، موزه‌ها، فعالیت‌های فرهنگی، سطح پایین بهداشت، کیفیت پایین آموزش، سطح پایین معلمان، نداشتن مقطع پیش دبستانی و تحصیلات پایین والدین که باعث می‌شوند کودکان روستایی تحریک شناختی کمتری نسبت به کودکان شهری تجربه کنند (هولت، ۲۰۲۱).

مشکلات موجود در زندگی دانش‌آموزان روستایی برای این افراد به حدی است که اگر نتوانند در برابر آنها مقاومت و تاب‌آوری داشته باشند ممکن است آنها را تا حد فرار از مدرسه و ترک تحصیل بکشاند. تاب‌آوری به این مسئله می‌پردازد که فرد علی‌رغم قرار گرفتن در معرض فشارهای شدید و عوامل خطر می‌تواند عملکرد اجتماعی خود را بهبود داده و بر مشکلات غلبه کند (ولیان، ۱۳۹۳). تاب‌آوری عاملی است که به افراد در مواجهه و سازگاری با شرایط سخت و استرس‌زای زندگی محافظت

^۱. Holt

می‌کند. افراد تاب‌آور سازگاری فردی بالایی با عوامل استرس‌زای محیطی در زندگی‌شان دارند (بذر افشان و همکاران، ۱۳۹۷). اگر دانش‌آموزان روستایی بتوانند میزان این تاب‌آوری را به حدی برسانند بهتر می‌توانند در برابر مشکلات تحصیلی موفق شوند. علاوه بر این راهبردهای مقابله‌ای نیز عاملی برای کمک به دانش‌آموزان مدارس است. مفهوم مقابله دارای سابقه طولانی است که در اصل از تئوری مکانیسم‌های دفاعی^۱ فروید^۲ تکامل یافته است (پارکر و شینین^۳، ۲۰۲۰). از دیدگاه شناختی لازاروس و فولکمن (۱۹۸۴؛ به نقل از لاندگرین^۴ و همکاران، ۲۰۲۰). راهبردهای مقابله را به‌عنوان مجموعه‌ای از تلاش‌ها برای تغییر محیط در تلاش برای انطباق با بهترین حالت ممکن با یک رویداد استرس‌زا و کاهش یا به حداقل رساندن آن تعریف کرده‌اند. راهبردهای مقابله‌ای در واقع، مجموعه‌ای از تلاش‌های شناختی، هیجانی و رفتاری فرد است که در جهت تغییر، تفسیر و اصلاح موقعیت تنش‌زا به کار می‌رود، همچنین فرایندی پویا و مداوم‌اند که به طور کلی به دو دسته راهبردهای مسئله‌مدار و هیجان‌مدار تقسیم می‌شوند (ندائی و همکاران، ۱۳۹۵). راهبردهای مسئله‌مدار بیانگر اعمالی‌اند که هدفشان کاهش و یا تغییر موقعیت‌های فشار زاست و طی آن فرد مشکل را به اجزا کوچک و قابل کنترل تقسیم می‌کند و به دنبال یافتن راه‌حل‌های مناسب برمی‌آید؛ در حالی که راهبردهای هیجان‌مدار شامل تنظیم پاسخ‌های هیجانی فرد در برابر مسئله است که این هیجانات به صورت سرکوب، اجتناب، انزوا و کنار گذاشتن بروز می‌کند (بند و درایدن^۵، ۲۰۰۴).

مفهوم تاب‌آوری: تاب‌آوری مفهوم جدیدی در روان‌شناسی است. حداکثر ۲۰ سال است که این کلمه به دنیای روان‌شناسی آمده و در ایران سابقه تحقیق درباره آن به یک دهه نمی‌رسد. انسان‌ها در برابر شرایط نامساعد، خطرهای و ناملایمات معمولاً احساس بی‌پناهی می‌کنند. در بسیاری مواقع نیز سعی دارند که در برابر خطرهای و موقعیت‌های ناگوار تحمل نمایند و نتایج غیرمنتظره‌ای به دست می‌آورند. توانایی اجرای این جادوی رایج، اغلب در حوزه علوم اجتماعی به‌عنوان انعطاف‌پذیری یا «تاب‌آوری» نام دارد (خانجانی، ۱۳۹۶). تاب‌آوری، نوعی مصون‌سازی در برابر مشکلات روانی - اجتماعی بوده و کارکرد مثبت زندگی را افزایش می‌دهد که می‌تواند به وسیله فراهم نمودن شرایطی برای بالا بردن مهارت‌های اجتماعی تقویت گردد. (تروی^۶، ۲۰۲۳). مهارت‌هایی از قبیل برقراری ارتباط، مهارت‌های رهبری، حل مسئله، مدیریت منابع، توانایی رفع موانع موفقیت و توانایی برنامه‌ریزی، معنا بخشیدن به سختی‌ها، چشم‌انداز مثبت، تعالی و معنویت از عناصر کلیدی در تاب‌آوری هستند (غضنفری، ۱۳۹۹). افراد تاب‌آور، اغلب در موقعیت غم‌انگیز، متوجه نکته مثبت می‌شوند. تمرکز روی نقاط قوت و استعدادها بالقوه، ابتکار عمل و پشت کار، شجاعت، تسلط فعال و پذیرش، در غلبه بر سختی و تقویت تاب‌آوری مؤثر است. وقتی شکستی روی می‌دهد افراد تاب‌آور، آن را تجربه‌ای می‌دانند که از آن درس می‌گیرند، ولی افرادی که تاب‌آوری و عزت نفس پایین دارند، مستعد این باورند که اشتباهات، ناشی از کمبودهای آنان است (پرایم، وید و براونی^۷، ۲۰۲۰).

وقتی افراد تاب‌آور، در شرایط سخت و دشوار زندگی مانند طلاق، اختلافات زناشویی، ورشکستگی اقتصادی و بیماری قرار می‌گیرند، پیش از آن که به‌صورت هیجانی با مشکلات خود برخورد نمایند، شکیبایی و تحمل زیادی در برابر شرایط فوق از خود نشان می‌دهند و سعی نمی‌کنند با اتخاذ راه‌حل‌های سریع و هیجانی، وضعیت موجود را بهتر کنند، بلکه این نوع افراد با نگرستن به مشکل خود از زوایای مختلف و بدون اینکه کنترل رفتاری و هیجانی خود را از دست دهند، سعی در ارائه راه‌حل‌های منطقی برای رفع مسئله خود دارند. افراد تاب‌آور، انعطاف‌پذیری بیشتری در مقابل شرایط آسیب‌زا دارند و خود را در برابر این شرایط حفاظت می‌کنند. در این میان، عوامل متعددی از جمله ویژگی‌های درونی روانی - اجتماعی، حمایت اعضای خانواده، دوستان و حمایت دیگر سیستم‌های اجتماعی در ایجاد و ارتقاء میزان تاب‌آوری نقش دارند. فرد تاب‌آور، به طور عادی قادر به تفکر خلاقانه

^۱. defense mechanisms

^۲. Freud's

^۳. Parker & Sheinin

^۴. Lundgren

^۵. Bond, & Dryden

^۶- Troy

^۷- Prime, Wade, & Browne

و منعطف درباره حل مسائل است، یعنی هر وقت که نیاز داشته باشد از افراد دیگر کمک می‌خواهد و در حل مشکلات مربوط به خود و دیگران کاردانی نشان می‌دهد (غضنفری، ۱۴۰۰).

مک ویکار^۱ (۲۰۱۳) خصوصیات افراد تاب‌آور، را به این شرح توصیف نموده‌اند:

- برخورداری از تیزهوشی و مهارت عقلانی - توانایی در صمیمیت و گسستگی - توانایی در مفهوم‌پردازی موضوعات متعدد - دستیابی فرد به این اعتقاد که حق زندگی کردن را دوست دارم - برخورداری از توانایی یادآوری و فراخوانی اشخاص و موضوعات خوب و نگهداری آنها - نمادهای خوب در ذهن - داشتن هدف در زندگی - برخورداری از توانایی جذب و استفاده از حمایت اجتماعی - برخورداری از توان در نظر گرفتن احتمالات در زندگی و استفاده مطلوب از دستورات اخلاقی جامعه مدنی - نیاز و توانایی در کمک به دیگران - برخورداری از خزانه عاطفی - برخورداری از دیدگاهی نوع‌دوستانه نسبت به دیگران - کاردان و مبتکر بودن

راهبردهای مقابله‌ای: وقتی که فشارهای روانی، جنبه‌های زیستی و روانی انسان را تحت تأثیر قرار می‌دهد، عملکردهای فیزیولوژیک، شناختی و رفتاری فرد مختل شده و عملکردهای ناپه‌نچار ظاهر می‌شود. بر اثر فشار روانی، الگوی تفکر افراد، اغلب آشفته و عملکرد حافظه و تمرکز فرد با مشکل مواجه می‌شود. زمانی که فشار روانی افزایش می‌یابد، توجه ما به درخواست‌های محیطی کاهش و توجه به خود و جنبه‌های نامرتب محیطی افزایش می‌یابد (بساک‌نژاد و بوستانی، ۱۳۹۱).

در شرایط فشارزا تصمیم‌گیری منطقی، جستجوی فعال اطلاعات و جذب و درک دقیق به طور ناقص سازماندهی می‌شود. اصطلاح مقابله^۲ بیانگر تلاش‌های شناختی و رفتاری فرد به منظور سازگاری با موقعیت فشارزا و یا کاهش آشفستگی ناشی از آن است. مقابله مجموعه‌ای از راهبردهای شناختی و رفتاری است که به منظور برطرف کردن نیازهای زندگی روزمره به کار می‌رود. عناصر راهبردهای مقابله‌ای، افکار، احساسات و اعمال هستند که در موقعیت‌های خاص، به اندازه‌های مختلفی فراخوانده می‌شوند تا نگرانی‌های فرد را اداره کنند. به عبارت دیگر، مقابله متشکل از پاسخ‌هایی (افکار، احساسات و اعمال) است که فرد از آنها برای غلبه بر موقعیت‌های مشکل‌آفرین در زندگی روزمره استفاده می‌نماید. مقابله یعنی تلاش‌های هشیار و ناهشیار برای بازسازی یا تضعیف عوامل فشارزا یا تحمل آنها به طوری که آن موقعیت‌ها حداقل آسیب‌رسانی را به دنبال داشته باشد (بساک‌نژاد و بوستانی، ۱۳۹۱). سبک‌های مقابله تا حدی برحسب ویژگی‌های شخصیت کنترل می‌شوند، اما بخشی از آنها نیز توسط بافت اجتماعی، خصوصاً ماهیت محیط فشارزا کنترل می‌شوند (کارور و اسمیت^۳، ۲۰۱۰).

حل مسئله: اگر چه تعاریف متعددی از "مسئله" ارائه شده است ولی اغلب آنها اشاره می‌کنند که وقتی فردی چیزی را می‌خواهد و نمی‌داند آن را چگونه به دست آورد، مشکل وجود دارد، بنابراین مشکل یا مسئله را می‌توان همانند یک خواسته تحقق‌نیافته که شیوه تحقق آن باید مشخص شود، مفهوم‌سازی کرد. این تعریف جامع قادر می‌سازد تا این مفهوم، مشکلاتی را که ویژه یا عمومی، مثبت یا منفی و عمده یا ناچیز از نظر اهمیت یا گستردگی هستند را در برگیرد. به‌طور کلی، به‌کارگیری مدل حل مسئله‌ای که در اینجا تشریح می‌شود در مورد مشکلاتی که عمده و ناچیز، مثبت یا منفی، و عمومی یا ویژه هستند، به طور مساوی موفقیت‌آمیز خواهد بود. ما بر این مفهوم‌سازی گسترده تأکید می‌کنیم (بدل و لتاکس، ۱۹۹۷)؛ زیرا که مشکلات معمولاً به یک شکل ناچیز "عمده"، "منفی"، "بیزارکننده" و "بد" در نظر گرفته می‌شوند. چنین درک ناقصی، به‌کارگیری مهارت‌های اجتماعی انطباقی را که در این بحث ارائه می‌شود به طور مناسبی محدود می‌کند. برطرف ساختن مشکلات مثبت به اندازه رفع مشکلات منفی اهمیت دارد. اگر دقیق‌تر صحبت کنیم، اغلب مردم می‌توانند ارزش تمرکز مشکلات مثبت مثل برنامه‌ریزی برای اوقات فراغت، برنامه‌ریزی یک رویداد اجتماعی، تصمیم‌گیری در مورد چگونگی خرج کردن پول و چگونگی

^۱ - Mcvicar

^۲ . coping

^۳ . Carver & Smith

واکنش نسبت به یک علامت مثبت از جانب یک دوست را درک کنند (باباپور خیرالدین، ۱۳۹۲). مسئله، موقعیتی است که فرد در مواجهه با آن و به کمک اطلاعات موجود در آن لحظه، نتواند سریع و به طور مناسب پاسخ دهد (دزوریلا، ۲۰۰۴).

اولین بار شور و اسپواک^۱ در سال ۱۹۷۴، از شیوه حل مسئله در درمان اختلالات رفتاری استفاده کردند که نتایج مثبتی به دنبال داشت. آنها از داستان‌های ناتمام برای پرورش مهارت حل مسئله مخصوصاً تفکر وسیله - هدف در کودکان و نوجوانان استفاده کردند (به نقل از خوشکام، ۱۳۸۷). برنامه‌ای است برای رشد مهارت‌های شناختی و اجتماعی حل مسئله در کودکان دبستانی. طرح این برنامه در ابتدای امر به منظور بهبود کنترل شخصی پسران پرخاشگر از طریق کاهش تحریک‌پذیری، افزایش واکنش‌های مختلف کودک در موقعیت‌های دلسردکننده و به وجود آوردن مهارت‌هایی برای حل موفقیت‌آمیز مسائل بوده است (کارتلیج-میلین^۲، ۱۳۸۷، ترجمه نظری نژاد، ۱۳۸۶). پایه‌های حمایتی از برنامه آموزش مهارت‌های حل مسئله تحقیقات ۲۰ ساله شور و اسپواک است.

نتایج تحقیق رهنمای نمین و قربانی (۱۴۰۲) نشان داد که میانگین راهبرد مقابله‌ای در دانش‌آموزان عادی بالاتر از گروه دانش‌آموزان دارای اختلال نوشتاری است. همچنین آزمون‌های معنی‌داری در رابطه با عامل گروه بندی دانش‌آموزان (عادی و اختلال نوشتاری) و جنس و تعامل گروه و جنس در سطح ۰/۰۵ معنی دار نبودند، بنابراین عوامل گروه (عادی و اختلال نوشتاری) و جنسیت بر متغیرهای وابسته خرده مقیاس‌های سبک‌های اسنادی معنی دار نیستند، بنابراین بین سبک‌های اسنادی دانش‌آموزان دختر و پسر عادی و دارای اختلال نوشتاری تفاوت وجود نداشت. هانی اصل و محمدزاده (۱۴۰۰) در پژوهشی نشان داد که تفاوت معناداری بین میانگین نمرات دختران و پسران در مؤلفه‌های پرسش‌نامه مهارت‌های اجتماعی وجود دارد و بین میانگین نمرات گروه دختران و پسران در پرسش‌نامه مهارت مثبت اندیشی تفاوت معنادار در سطح ۰/۰۵ وجود دارد. همچنین بین میانگین نمرات دختران و پسران در مؤلفه‌های اعتماد در حل مسئله و سبک اجتناب در سطح اطمینان ۰/۰۵ تفاوت معناداری وجود ندارد؛ ولی در نمره کل پرسش‌نامه و مؤلفه‌های درماندگی در حل مسئله، مهار گری حل مسئله، سبک خلاقیت و سبک گرایش تفاوت معنادار وجود دارد.

پودینه و همکاران (۱۳۹۸) در تحقیقی نشان می‌دهد که میزان تاب‌آوری اقتصادی، اجتماعی- فرهنگی و زیرساختی در جوامع شهری بالاتر از جوامع روستایی است و به عبارت دیگر تاب‌آوری جوامع شهری در سه شاخص اقتصادی، اجتماعی- فرهنگی و زیرساختی در حد مطلوب و در جوامع روستایی در حد نامطلوب است. تنها در شاخص سرمایه اجتماعی است که میزان تاب‌آوری جوامع روستایی بالاتر از جوامع شهری است و جوامع روستایی در شاخص سرمایه اجتماعی بالاتر از حد مطلوب ولی جوامع شهری پایین‌تر از حد مطلوب ارزیابی شده است. محمدی و منوچهری (۱۳۹۷) در تحقیقی به تحلیلی بر ارتباط زیست‌پذیری و تاب‌آوری جوامع روستایی مطالعه موردی: روستاهای شهرستان مریوان پرداختند. نتایج نهایی نشان از ارتباط مثبت، مستقیم و معنادار وضعیت زیست‌پذیری و تاب‌آوری روستاها در منطقه مطالعه شده در قالب توزیع خوشه‌ای لکه‌های داغ دارد؛ همچنین با توجه به یافته‌های استنباطی، بعد اقتصادی و شاخص توانایی سازگاری و انطباق با تهدیدات، تبیین‌کننده‌های اصلی میزان زیست‌پذیری و تاب‌آوری در منطقه مطالعه شده‌اند.

ناظمی و هاشمی (۱۳۹۷) در تحقیقی به مقایسه نارسایی هیجانی، تاب‌آوری و همدلی در دانش‌آموزان با و بدون ناتوانی‌های یادگیری پرداختند. نشان داد که بین دانش‌آموزان با و بدون ناتوانی یادگیری در تاب‌آوری، نارسایی هیجانی و همدلی تفاوت معناداری وجود دارد. به طوری که تاب‌آوری و همدلی در دانش‌آموزان دارای ناتوانی یادگیری، کمتر و در نارسایی هیجانی بیشتر از دانش‌آموزان بدون ناتوانی یادگیری بود. ولیان (۱۳۹۳) در تحقیقی دریافت تفاوت معنی‌داری بین هوش معنوی و میزان تاب‌آوری در دانش‌آموزان تیزهوش و عادی وجود داشت. محمود علیلو و همکاران (۱۳۹۵) در تحقیقی به مقایسه راهبردهای مقابله‌ای و تنظیم هیجان دانش‌آموزان دارای نشانه‌های اختلال‌های هیجانی مرتبط با اضطراب با گروه بهنجار پرداختند. یافته‌های این پژوهش نشان داد که بین راهبردهای مقابله‌ای و تنظیم هیجان دانش‌آموزان دارای نشانه‌های اختلال‌های هیجانی مرتبط با

^۱-Spivack

^۲-Kartlyj-Mylyrn

اضطراب با گروه بهنجار از نظر آماری تفاوت معنادار وجود دارد. همچنین بین دو گروه مورد بررسی از نظر مؤلفه‌های متغیرهای مذکور به عنوان یک متغیر ترکیبی، تفاوت معنادار آماری به دست آمد. هر چند راهبرد مقابله‌ای مسئله مدار و تنظیم هیجان از نوع ارزیابی مجدد تفاوت معناداری را در گروه‌های مورد مقایسه نشان نداد اما از نظر راهبرد مقابله‌ای هیجان مدار، راهبرد مقابله‌ای اجتنابی و تنظیم هیجان از نوع فرونشانی، تفاوت بین دو گروه مورد مقایسه معنادار بود.

شاکه نیا و همکاران (۱۳۹۶) در تحقیقی نشان داد که بین دو گروه در متغیر کیفیت دلبستگی تفاوت معناداری وجود دارد. به عبارت دیگر کودکان مبتلا به اختلال وسواس بی‌اختیاری نسبت به کودکان غیرمبتلا در متغیر کیفیت دلبستگی نمرات پایین‌تری کسب کردند. نتایج آزمون تحلیل واریانس چندمتغیری نشان داد که از خودبیگانگی و کنار آمدن ویرانگر با مشکل در کودکان مبتلا به اختلال وسواس بی‌اختیاری در مقایسه با کودکان غیر مبتلا بیشتر است. در حالی که اعتماد و کنار آمدن سازش یافته با مشکل در کودکان مبتلا در مقایسه با کودکان غیرمبتلا کمتر بود. جعفرزاده قدیمی و همکاران (۱۳۹۳) در تحقیقی به مقایسه سبک‌های حل مسئله و باورهای خودکارآمدی در دانش‌آموزان دوره دبیرستان مدارس نمونه و عادی پرداختند. یافته‌های پژوهش نشان داد خودکارآمدی در دانش‌آموزان دبیرستان‌های نمونه بالاتر از دانش‌آموزان عادی است و هم چنین تفاوت معنی‌داری بین اعتماد در حل مسئله و گرایش در حل مسئله در دانش‌آموزان نمونه و عادی به دست آمد.

هانی اصل و محمدزاده (۱۳۹۷) در تحقیقی دریافت تفاوت معناداری بین میانگین نمرات دختران و پسران در مؤلفه‌های پرسش‌نامه مهارت‌های اجتماعی وجود دارد و بین میانگین نمرات گروه دختران و پسران در پرسش‌نامه مهارت مثبت اندیشی تفاوت معنادار در سطح ۹۵٪ وجود دارد. همچنین بین میانگین نمرات دختران و پسران در مؤلفه‌های اعتماد در حل مسئله و سبک اجتناب در سطح اطمینان ۹۵٪ تفاوت معناداری وجود ندارد؛ ولی در نمره کل پرسش‌نامه و مؤلفه‌های درماندگی در حل مسئله، مهارت‌های حل مسئله، سبک خلاقیت و سبک گرایش تفاوت معنادار وجود دارد. چیو و همکاران (۲۰۲۳) در پژوهشی به مقایسه خودکنترلی و تاب‌آوری در دانش‌آموزان مدارس عادی و تحت پوشش پرداختند. نتایج نشان داد که بین دو گروه دانش‌آموزان مدارس عادی و تحت پوشش تفاوت معناداری وجود دارد. کائر (۲۰۲۲) در پژوهشی به مقایسه سبک‌های حل مسئله و عزت نفس در دانش‌آموزان عادی و تحت پوشش بهزیستی پرداخت. نتایج نشان داد که بین سبک‌های حل مسئله در دانش‌آموزان عادی و تحت پوشش تفاوت وجود دارد و. نیز بین دو گروه مدارس عادی و تحت پوشش از نظر بهزیستی مطلب وجود دارد.

رایت^۱ و همکاران (۲۰۲۱) در تحقیقی به مقایسه میزان افسردگی، اضطراب اجتماعی و راهبردهای مقابله‌ای در دانش‌آموزان عادی و تیزهوش پرداختند. نتایج تحقیق آنها نشان داد که از نظر میزان افسردگی، اضطراب اجتماعی و راهبردهای مقابله‌ای میان دانش‌آموزان عادی و تیزهوش تفاوت وجود دارد. سوارز^۲ و همکاران (۲۰۱۶) در تحقیقی به مقایسه میزان تاب‌آوری در جامعه شهری و روستایی پرداختند که نتایج تحقیق نشان داد میان جامعه شهری و روستایی از نظر میزان تاب‌آوری تفاوت وجود دارد و دانش‌آموزان روستایی تاب‌آوری بیشتری را نشان داده‌اند. بزا^۳ (۲۰۱۵) در تحقیقی نشان داد که بین دانش‌آموزان مدارس روستایی و شهری از نظر میزان تاب‌آوری تفاوت وجود دارد و نیز بین دانش‌آموزان مدارس روستایی و شهری از نظر هوش معنوی تفاوت وجود دارد. کولیم^۴ (۲۰۱۲) در تحقیقی نشان داد که میان دانش‌آموزان مدارس روستایی و شهری از نظر میزان حل مسئله تفاوت وجود دارد و دانش‌آموزان مدارس شهری مهارت حل مسئله بالاتری را تجربه کرده‌اند.

➤ روش‌شناسی پژوهش

روش پژوهش حاضر علی‌مقایسه‌ای است و محقق به دنبال بررسی مقایسه متغیرهای تحقیق میان دو گروه دانش‌آموزان مدارس روستایی و شهری است. جامعه آماری در این پژوهش دانش‌آموزان دبیرستان مدارس روستایی و شهری شهرستان بویراحمد بودند که تعداد دانش‌آموزان مدارس شهری حدود ۲۵۰۰ نفر بودند و طبق فرمول کرجسی و مورگان تعداد ۱۱۰ نفر انتخاب

^۱ - Wright

^۲ - Suarez

^۳ - Bozza

^۴ - Quilliam

شدند و دانش آموزان روستایی تعداد آنها ۱۸۰۰ نفر بودند و تقریباً طبق فرمول ۱۰۰ نفر به عنوان نمونه انتخاب شدند و با توجه به نوع پژوهش که مقایسه ای می باشد تعداد هر دو گروه باید برابر باشند و در این میان تعداد ۲۰۰ نفر (۱۰۰ نفر دانش آموز مدارس روستایی و ۱۰۰ نفر از دانش آموزان مدارس شهری) که به عنوان نمونه و به روش نمونه گیری خوشه ای چندمرحله ای انتخاب شدند. در این پژوهش تعداد ۱۰ دبیرستان روستایی بودند که از این تعداد ۵ دبیرستان انتخاب و از هر دبیرستان روستایی یک کلاس انتخاب و از هر کلاس تعداد ۲۰ نفر انتخاب شدند و در مجموع تعداد ۱۰۰ دانش آموز دبیرستان مدارس روستایی به عنوان نمونه انتخاب شدند و اما نمونه دبیرستان مدارس شهری به این شکل بود که در شهرستان بویراحمد ۱۴ دبیرستان وجود دارد و از این تعداد دبیرستان پژوهشگر تعداد ۱۰ دبیرستان حاضر به همکاری بودند و از این تعداد دبیرستان شهری از هر دبیرستان یک کلاس انتخاب و از هر کلاس تعداد ۱۰ نفر که حاضر به همکاری بودند در پژوهش شرکت نمودند و در مجموع ۱۰۰ نفر نیز به عنوان گروه دبیرستان مدارس شهری به عنوان نمونه انتخاب و پرسش نامه های پژوهش را تکمیل نمودند. برای جمع آوری داده ها از ابزارهای زیر استفاده شده است.

پرسش نامه تاب آوری: برای سنجش تاب آوری، مقیاس تاب آوری کونور و دیویدسون (۲۰۰۳) به کار برده شد که دارای ۲۵ گویه است و برای هر گویه طیف درجه بندی ۵ گزینه ای در نظر گرفته شده است که از ۱ (کاملاً نادرست) ۲ (بندرت نادرست) ۳ (گاهی درست) ۴ (اغلب درست) ۵ (همیشه درست) نمره گذاری می شود؛ بنابراین حداقل نمره ای که فرد می تواند در این پرسش نامه بگیرد ۲۵ و حداکثر نمره ای که می تواند بگیرد ۱۲۵ می باشد. همچنین این آزمون خرده مقیاس ندارد. برای تعیین روایی این مقیاس نخست همبستگی هر گویه با نمره کل مقوله محاسبه و سپس از روش تحلیل عامل برگرفته شد. سپس گویه های مقیاس به روش مؤلفه های اصلی مورد تحلیل عاملی قرار گرفتند. پیش از استخراج عوامل بر پایه ماتریس همبستگی گویه ها، دو شاخص KMO و آزمون کرویت بارتلت محاسبه شدند. مقدار KMO برابر ۰/۸۷ و مقدار خی دو از آزمون بارتلت برابر ۵۵۵۶/۲۸ بود که هر دو شاخص کفایت شواهد برای انجام تحلیل عامل را نشان دادند. برای تعیین پایایی مقیاس خود تاب آوری کونور و دیویدسون از روش آلفای کرونباخ بهره گرفته شد و ضریب پایایی ۰/۸۹ به دست آمد (محمدی، ۱۳۸۴).

پرسش نامه مقابله با موقعیت استرس زا پارکر و اندلر: اندلر و پارکر (۱۹۹۰) این پرسش نامه را با هدف ارزیابی انواع سبک های مقابله ای افراد در موقعیت های استرس زا به صورت سبک های مقابله ای مسئله مدار، هیجان مدار و سبک اجتنابی طراحی کردند. این آزمون شامل ۴۸ سؤال است که هر کدام ۱۶ سؤال به یکی از ابعاد مقابله مربوط است و پاسخ به هر سؤال بر اساس یک مقیاس ۵ درجه ای لیکرت از دامنه هرگز (۱) تا خیلی زیاد (۵) مشخص می شود. اندلر و پارکر ضرایب اعتبار این آزمون را به وسیله آلفای کرونباخ برای سبک های مقابله مسئله مدار (دختر ۰/۹۰، پسر ۰/۹۲) و هیجان مدار (پسر ۰/۸۲، دختر ۰/۸۵) و اجتنابی (پسر ۰/۸۰، دختر ۰/۸۴) محاسبه کردند. در پژوهش محمدخانی و قره باش (به نقل از صدیقی و همکاران، ۱۳۹۱)، پایایی کل پرسش نامه از روش آلفای کرونباخ ۰/۸۴ بیان شده است. در پژوهش حاضر آلفای کرونباخ این پرسش نامه ۰/۸۹ به دست آمد.

پرسش نامه حل مسئله: این پرسش نامه توسط هپنر (۱۹۸۲) ساخته شده و دارای ۳۰ ماده با یک مقیاس ۳ درجه ای از (بلی، حدودی و خیر) اجرا شد. در این پرسش نامه تعداد ۳ خرده مقیاس وجود دارد که شامل کفایت حل مسئله، سبک گرایش - اجتناب و کنترل شخصی هستند. این پرسش نامه توسط رفعتی (۱۳۷۵) ترجمه گردید و برای اولین بار در ایران ترجمه شده است. در پژوهش هپنر (۱۹۸۲) برای محاسبه پایایی از آلفای کرونباخ استفاده شد که به ترتیب در مؤلفه های کفایت حل مسئله ۰/۹۱، سبک گرایش - اجتناب ۰/۸۹ و کنترل شخصی ۰/۹۲ می باشد و نمره کل آن ۰/۹۳ بوده است.

در این پژوهش با توجه به اینکه بین دو گروه دانش آموزان مدارس روستایی و شهری مقایسه شکل گرفت لذا برای یافته های توصیفی از میانگین، انحراف معیار و... استفاده شد و در سطوح آماری از روش آماری تحلیل واریانس برای تفاوت بین دو گروه انجام شد.

یافته ها

یافته‌ها نشان داد میانگین و انحراف معیار تاب‌آوری در مدارس دبیرستان روستایی به ترتیب $78/83$ و $5/67$ می‌باشد، میانگین و انحراف معیار راهبرد مقابله‌ای مسئله مدار در مدارس دبیرستان روستایی به ترتیب $37/40$ و $6/48$ می‌باشد، میانگین و انحراف معیار راهبرد مقابله‌ای هیجان‌مدار در مدارس دبیرستان روستایی به ترتیب $37/15$ و $6/40$ می‌باشد، میانگین و انحراف معیار راهبرد اجتنابی در مدارس دبیرستان روستایی به ترتیب $39/75$ و $6/92$ می‌باشد و میانگین و انحراف معیار حل مسئله در مدارس دبیرستان روستایی به ترتیب $48/23$ و $2/13$ می‌باشد، میانگین و انحراف معیار تاب‌آوری در مدارس دبیرستان شهری به ترتیب $58/63$ و $8/90$ می‌باشد، میانگین و انحراف معیار راهبرد مقابله‌ای مسئله مدار در مدارس دبیرستان شهری به ترتیب $47/17$ و $6/12$ می‌باشد، میانگین و انحراف معیار راهبرد مقابله‌ای هیجان‌مدار در مدارس دبیرستان شهری به ترتیب $49/95$ و $4/26$ می‌باشد، میانگین و انحراف معیار راهبرد اجتنابی در مدارس دبیرستان شهری به ترتیب $48/95$ و $5/69$ می‌باشد و میانگین و انحراف معیار حل مسئله در مدارس دبیرستان شهری به ترتیب $63/62$ و $4/30$ می‌باشد.

جدول ۱. آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

گروه	دبیرستان روستایی	دبیرستان شهری
متغیر	میانگین	انحراف معیار
تاب‌آوری	$78/83$	$5/67$
راهبرد مقابله‌ای مسئله مدار	$37/40$	$6/48$
راهبرد مقابله‌ای هیجان‌مدار	$37/15$	$6/40$
راهبرد مقابله‌ای اجتنابی	$39/75$	$6/92$
حل مسئله	$48/23$	$2/13$

برای بررسی همگنی واریانس متغیرها، از آزمون لوین استفاده شد. نتایج حاصل از همگنی واریانس‌ها در جدول ۲ نشان داده شده است.

جدول ۲. نتایج آزمون همگنی واریانس‌های لوین بین متغیرهای کمکی پژوهش در دو گروه دانش‌آموزان مدارس روستایی و شهری

اثر	متغیر وابسته	درجه آزادی ۱	درجه آزادی ۲	F	سطح معنی‌داری
گروه	تاب‌آوری	۱	۱۹۸	$0/004$	$0/95$
	راهبرد مقابله‌ای مسئله مدار	۱	۱۹۸	$8/44$	$0/71$
	راهبرد مقابله‌ای هیجان‌مدار	۱	۱۹۸	$0/13$	$0/71$
	راهبرد اجتنابی	۱	۱۹۸	$1/39$	$0/24$
	حل مسئله	۱	۱۹۸	$1/32$	$0/21$

نتایج مندرج در جدول ۲ نشان می‌دهند که آزمون لوین در متغیر تاب‌آوری ($F=0/004$ و $P=0/95$)، راهبرد مقابله‌ای مسئله مدار ($F=8/44$ و $P=0/71$)، راهبرد مقابله‌ای هیجان‌مدار ($F=0/13$ و $P=0/71$)، راهبرد اجتنابی ($F=1/39$ و $P=0/24$)، و حل مسئله ($F=1/32$ و $P=0/21$) معنی‌دار نمی‌باشد. بنابراین واریانس دو گروه دانش‌آموزان دبیرستان روستایی و شهری در تاب‌آوری، راهبردهای مقابله‌ای و حل مسئله به طور معنی‌داری متفاوت نیستند و فرض همگنی واریانس‌ها تأیید می‌شود. بنابراین آزمون همگنی واریانس‌ها بر روی چهار متغیر وابسته معنی‌دار نمی‌باشد و به محقق اجازه می‌دهد که فرض کند واریانس‌ها مساوی هستند.

برای بررسی این مفروضه از آزمون‌های کولموگورف-اسمیرنوف و شاپیرو-ویلکز استفاده شده است. نتایج آزمون‌های کولموگورف-اسمیرنوف و شاپیرو-ویلکز برای بررسی نرمال بودن در جدول ۳ نشان داده شده است.

جدول ۳. آزمون کولموگورف-اسمیرنوف و شاپیرو-ویلکز برای نرمال بودن داده‌ها در متغیرهای پژوهش

متغیرها	آزمون کولموگورف-اسمیرنوف	آزمون شاپیرو-ویلکز
مقدار آماره	سطح معناداری	مقدار آماره
سطح معناداری	مقدار آماره	سطح معناداری

تاب آوری	۰/۱۶	۰/۱۸	۰/۹۵	۰/۴۹
راهبرد مقابله‌ای مسئله مدار	۰/۱۷	۰/۰۹	۰/۹۴	۰/۲۵
راهبرد مقابله‌ای هیجان مدار	۰/۱۹	۰/۱۷	۰/۹۷	۰/۲۸
راهبرد اجتنابی	۰/۱۳	۰/۱۶	۰/۹۶	۰/۳۱
حل مسئله	۰/۱۶	۰/۱۲	۰/۹۱	۰/۲۹

همان‌طور که در جدول ۳ نشان داده شده است، با توجه به سطح معنی‌داری در گروه‌های دانش‌آموزان مدارس دبیرستان روستایی و شهری در آزمون کولموگروف-اسمیرنوف و آزمون شاپیرو-ویلکز ($p \geq 0.05$) و عدم معناداری هر دو آزمون یاد شده فوق، فرض بهنجاری توزیع نمرات متغیرها در جامعه مورد پژوهش مورد تأیید قرار می‌گیرد.

جهت پاسخ‌گویی به فرضیه‌های پژوهش از روش تحلیل واریانس استفاده شد که در جداول ۴ و ۵ مشاهده می‌شود.

جدول ۴. نتایج حاصل از تحلیل واریانس بر روی میانگین نمره‌های دو گروه (دانش‌آموزان دبیرستان روستایی و شهری) در متغیرهای تاب‌آوری، راهبردهای مقابله‌ای (هیجان مدار، مسئله مدار و اجتنابی) و حل مسئله

نام آزمون	مقدار	F	df خطا	df فرضیه	sig
آزمون اثر پیلای	۰/۹۰	۳۸۸/۶۴	۱۹۴	۵	۰/۰۰۱
آزمون لامبدای ویکلز	۰/۰۹	۳۸۸/۶۴	۱۹۴	۵	۰/۰۰۱
آزمون اثر هتلینگ	۱۰/۰۱	۳۸۸/۶۴	۱۹۴	۵	۰/۰۰۱
آزمون بزرگ‌ترین ریشه روی	۱۰/۰۱	۳۸۸/۶۴	۱۹۴	۵	۰/۰۰۱

بر اساس جدول ۴ می‌توان گفت که دست کم در یکی از متغیرهای وابسته (تاب‌آوری، راهبردهای مقابله‌ای و حل مسئله) بین دو گروه تفاوت معنی‌داری وجود دارد. جهت پی بردن به این تفاوت پنج تحلیل واریانس یک راه انجام شد که نتایج آن در جدول ۵ نشان داده شده است.

جدول ۵. تحلیل واریانس یک بر روی متغیرهای تاب‌آوری، راهبردهای مقابله‌ای (هیجان مدار، مسئله مدار و اجتنابی) و حل مسئله در دانش‌آموزان دبیرستان روستایی و شهری

متغیر	مجموع مجزورات	DF	میانگین مجزورات	F	Sig
تاب‌آوری	۲۰۰۹۶/۲۵	۱	۲۰۰۹۶/۲۵	۳۷۹/۸۲	۰/۰۰۱
راهبرد مقابله‌ای مسئله مدار	۴۷۰۲/۶۳	۱	۴۷۰۲/۶۳	۱۱۷/۳۹	۰/۰۰۱
راهبرد مقابله‌ای هیجان مدار	۸۰۷۷/۵۱	۱	۸۰۷۷/۵۱	۲۶۰/۵۵	۰/۰۰۱
راهبرد مقابله‌ای اجتنابی	۴۱۶۷/۰۸	۱	۴۱۶۷/۰۸	۱۰۱/۲۸	۰/۰۰۱
حل مسئله	۱۱۶۷۶/۴۰	۱	۱۱۶۷۶/۴۰	۱۰۹۳/۳۲	۰/۰۰۱

بر اساس مندرجات جدول ۵ می‌توان گفت که با توجه به میانگین تاب‌آوری در دانش‌آموزان دبیرستان روستایی ۷۸/۸۳ و در دانش‌آموزان دبیرستان شهری ۵۸/۶۳ می‌توان گفت نمره تاب‌آوری در دانش‌آموزان دبیرستان روستایی بیشتر است و از طرفی نیز مقدار F مربوط به تاب‌آوری برابر $F=379/82$ و معنی دار است ($P<0.001$). بنابراین بین دو گروه از لحاظ تاب‌آوری تفاوت معنی‌داری وجود دارد، با توجه به میانگین راهبرد مقابله‌ای مسئله مدار در دانش‌آموزان دبیرستان روستایی ۳۷/۴۰ و در دانش‌آموزان دبیرستان شهری ۴۷/۱۷ می‌توان گفت نمره راهبرد مقابله‌ای مسئله مدار در دانش‌آموزان دبیرستان روستایی کمتر است و از طرفی نیز مقدار F مربوط به راهبردهای مقابله‌ای مسئله مدار برابر $F=117/39$ و معنی دار است ($P<0.001$). بنابراین بین دو گروه از لحاظ راهبردهای مقابله‌ای مسئله مدار تفاوت معنی‌داری وجود دارد، با توجه به میانگین راهبردهای مقابله‌ای هیجان مدار در دانش‌آموزان دبیرستان روستایی ۳۷/۱۵ و در دانش‌آموزان دبیرستان شهری ۴۹/۹۵ می‌توان گفت نمره راهبردهای

مقابله‌ای هیجان‌مدار در دانش‌آموزان دبیرستان روستایی کمتر است و از طرفی نیز مقدار F مربوط به راهبردهای مقابله‌ای هیجان‌مدار برابر $F=260/55$ و معنی دار است ($P<0/001$). بنابراین بین دو گروه از لحاظ راهبردهای مقابله‌ای هیجان‌مدار تفاوت معنی‌داری وجود دارد، با توجه به میانگین راهبردهای مقابله‌ای اجتنابی در دانش‌آموزان دبیرستان روستایی $39/75$ و در دانش‌آموزان دبیرستان شهری $49/95$ می‌توان گفت نمره راهبردهای مقابله‌ای اجتنابی در دانش‌آموزان دبیرستان روستایی کمتر است و از طرفی نیز مقدار F مربوط به راهبردهای مقابله‌ای اجتنابی برابر $F=101/28$ و معنی دار است ($P<0/001$). بنابراین بین دو گروه از لحاظ راهبردهای مقابله‌ای اجتنابی تفاوت معنی‌داری وجود دارد و با توجه به میانگین حل مسئله در دانش‌آموزان دبیرستان روستایی $48/23$ و در دانش‌آموزان دبیرستان شهری $63/62$ می‌توان گفت نمره حل مسئله در دانش‌آموزان دبیرستان روستایی کمتر است و از طرفی نیز مقدار F مربوط به حل مسئله برابر $F=1093/32$ و معنی دار است ($P<0/001$). بنابراین بین دو گروه از لحاظ حل مسئله تفاوت معنی‌داری وجود دارد.

➤ نتیجه‌گیری

توجه به میانگین تاب‌آوری در دانش‌آموزان دبیرستان روستایی $78/83$ و در دانش‌آموزان دبیرستان شهری $58/63$ می‌توان گفت نمره تاب‌آوری در دانش‌آموزان دبیرستان روستایی بیشتر است و از طرفی نیز مقدار F مربوط به تاب‌آوری برابر $F=379/82$ و معنی دار است ($P>0/001$). بنابراین بین دو گروه از لحاظ تاب‌آوری تفاوت معنی‌داری وجود دارد، نتایج این تحقیق با تحقیقات پودینه، یادگاری فر و رشیدی (۱۳۹۸)، محمدی و منوچهری (۱۳۹۷)، ناظمی و هاشمی (۱۳۹۷)، ولیان (۱۳۹۳) و سوارز^۱ و همکاران (۲۰۱۶) همخوان می‌باشد. در تبیین این یافته می‌توان گفت که تاب‌آوری یک توانایی فطری برای رشد محسوب می‌شود که در انسان به‌عنوان یک ارگانیسم وجود دارد و می‌تواند در شرایط معین و محیطی از قوه به فعل درآید و به رغم قرار گرفتن فرد در معرض تنش‌های شدید، شایستگی اجتماعی، تحصیلی و شغلی او ارتقاء یابد. تاب‌آوری نوعی ویژگی است که از فردی به فردی متفاوت است و می‌تواند به مرور زمان رشد کند یا کاستی یابد (بیور^۲، ۲۰۰۸). در حقیقت تاب‌آوری نوعی مکانیسم سازش مثبت را ایجاد می‌کند که چندین عامل فردی، خانوادگی و اجتماعی تحت عوامل حفاظتی در تقویت و کاهش عوامل خطرزای آن موثر است (مدی و خوشابا^۳، ۲۰۰۵). این عوامل عبارتند از منابع فردی مانند ظرفیت شناختی و عزت نفس فرد، منابع خانوادگی مانند همبستگی و مدیریت تعارض‌ها و ارتباط با خانواده و عامل محیطی مانند حمایت اجتماعی و امنیت و ارتباطات معنادار و حمایت‌کننده و منابع اجتماعی و اقتصادی را شامل می‌شود. مطابق با مفروضه‌های نظریه توانمندمحور همه انسان‌ها توانمندی‌هایی دارند که با تمرکز بر آنها می‌توان انگیزه و تغییرات خلاقانه‌ای را ایجاد کرد یا از طریق یادگیری و با استفاده از برنامه‌های توانمندسازی کمبودها را جبران و میزان فعالیت افراد را افزایش داد (کوهن^۴ و همکاران، ۲۰۰۹). براین اساس افراد تاب‌آور دارای ویژگی‌هایی از جمله احساس ارزشمندی و اعتماد به نفس، مهارت در حل مسئله، صلاحیت و توانمندی اجتماعی، خوش بینی، همدلی و ... هستند که رشد و ارتقاء آنها را باعث می‌شود. دانش‌آموزان دبیرستان‌های روستایی به دلیل نوع باورهای خودمستقلی، خودکارآمدی، ابرازگری و ... که در ذات آنهاست در برابر مسائل و مشکلات تحصیلی نسبت به دانش‌آموزان مدارس شهری تاب‌آوری بالاتری نشان دادند که اینها به فرهنگ روستایی آنها بر می‌گردد.

سایر نتایج نشان داد بین دانش‌آموزان مدارس روستایی و شهری از نظر راهبردهای مقابله‌ای تفاوت وجود دارد. توجه به میانگین راهبرد مقابله‌ای مسئله‌مدار در دانش‌آموزان دبیرستان روستایی $37/40$ و در دانش‌آموزان دبیرستان شهری $47/17$ می‌توان گفت نمره راهبرد مقابله‌ای مسئله‌مدار در دانش‌آموزان دبیرستان روستایی کمتر است و از طرفی نیز مقدار F مربوط به راهبردهای مقابله‌ای مسئله‌مدار برابر $F=117/39$ و معنی دار است ($P<0/001$)؛ بنابراین بین دو گروه از لحاظ راهبردهای مقابله‌ای مسئله‌مدار تفاوت معنی‌داری وجود دارد، با توجه به میانگین راهبردهای مقابله‌ای هیجان‌مدار در دانش‌آموزان دبیرستان

^۱ - Suarez

^۲ - Beaver

^۳ - Maddi, & Khoshaba

^۴ - Cohen

روستایی ۳۷/۱۵ و در دانش آموزان دبیرستان شهری ۴۹/۹۵ می توان گفت نمره راهبردهای مقابله ای هیجان مدار در دانش آموزان دبیرستان روستایی کمتر است و از طرفی نیز مقدار F مربوط به راهبردهای مقابله ای هیجان مدار برابر $F=260/55$ و معنی دار است ($P<0/001$)؛ بنابراین بین دو گروه از لحاظ راهبردهای مقابله ای هیجان مدار تفاوت معنی داری وجود دارد، با توجه به میانگین راهبردهای مقابله ای اجتنابی در دانش آموزان دبیرستان روستایی ۳۹/۷۵ و در دانش آموزان دبیرستان شهری ۴۹/۹۵ می توان گفت نمره راهبردهای مقابله ای اجتنابی در دانش آموزان دبیرستان روستایی کمتر است و از طرفی نیز مقدار F مربوط به راهبردهای مقابله ای اجتنابی برابر $F=101/28$ و معنی دار است ($P<0/001$)؛ بنابراین بین دو گروه از لحاظ راهبردهای مقابله ای اجتنابی تفاوت معنی داری وجود دارد. نتایج این تحقیق با تحقیقات محمود علیلو و همکاران (۱۳۹۵)، شاکه نیا و همکاران (۱۳۹۶)، جعفرزاده قدیمی، امامی پور، سپاه منصور و جعفرزاده (۱۳۹۳)، هانی اصل و محمدزاده (۱۳۹۷) و رایت و همکاران (۲۰۲۱) همخوان می باشد. در تبیین این یافته ها می توان گفت که دانش آموزان به دلیل اینکه آینده کشور خود را به دست خواهند گرفت باید به عنوان اقشار سرمایه گذار در نظر گرفته شود و مولفه های اساسی در زندگی شخصی و تحصیلی آنها لازم و ضرورت دارد. پاسخ به مشکلات و نواقص زندگی آنها جزء راهبردهای مقابله ای و اساسی در مقابله با استرس های زندگی است. راهبرد مقابله ای افراد مجموعه ای از تلاش های شناختی، هیجانی و رفتاری فرد است که در جهت تغییر، تفسیر و اصلاح موقعیت تنش زا به کار می رود تا رنج ناشی از آن کاسته شود. فرد با به کارگیری راهبردهای مسئله مدار به تناسب موقعیت و واقع بینی از توانایی های خود و طلب حمایت اجتماعی و پردازش شناختی جهت حل مطلوب مسئله، نتیجه نسبتاً دلخواهی را تجربه می کند که این موجب تداوم و تقویت هیجانات مثبت و تنظیم مقتدرانه و آگاهانه آن را به دنبال دارد. این فرایند پس خوراندی مثبت حوزه های اساسی زندگی فرد را غنی تر می کند و سطح تحصیلی دانش آموزان را بالا ببرد. از طرفی دیگر می توان گفت که در راهبرد مقابله مسئله مدار بر مسئله متمرکز می شود و سعی در حل آن دارد. در این سبک دانش آموزان به جمع آوری اطلاعات مربوط به حادثه فشارزا می پردازد، درباره آن فکر می کند، منابعی را که از آن برخوردار است، ارزیابی می کند و برای استفاده از منابع در دسترس خود طرح و برنامه ای آماده می کند. دانش آموزان مدارس شهری در این پژوهش به دلیل تفکرات حل مسئله و امکانات آموزشی و هوشی که برای آنها فراهم است راهبردهای مقابله ای مسئله مدار برای مشکلات خود استفاده می کنند. همچنین دانش آموزان دبیرستان شهری از نظر راهبردهای مقابله ای هیجان مدار نسبت به دانش آموزان دبیرستان های روستایی نمره بیشتری کسب کردند که می توان گفت راهبردهای مقابله ای هیجان مدار شیوه هایی را توصیف می کنند که بر اساس آن، دانش آموزان بر خود تمرکز می کند و تمام تلاش خود را متوجه کاهش احساسات ناخوشایند خود می کند. واکنش های مقابله ای هیجان مدار شامل گریه کردن، عصبانی و ناراحت شدن، پرداختن به رفتارهای عیب جوینانه، اشتغال ذهنی و خیال پردازی است (قریشی راد، ۱۳۸۹). این راهبردها در دانش آموزان دبیرستان های شهری بیشتر از دانش آموزان روستایی در این پژوهش بوده است که ممکن است به دلیل ابراز هیجانی دانش آموزان شهری نسبت به آنها باشد و این امر که دانش آموزان دبیرستان های شهری علاقه و تمایل بیشتری به بیان هیجانات و ابراز آنها دارند. همچنین دانش آموزان دبیرستان شهری از نظر راهبردهای مقابله ای اجتنابی نسبت به دانش آموزان دبیرستان های روستایی نمره بیشتری دارند. راهبردهای مقابله ای اجتنابی مستلزم فعالیت ها و تغییرات شناختی است که هدف آن ها اجتناب از موقعیت استرس زا می باشد. رفتارهای مقابله ای اجتنابی ممکن است به شکل روی آوردن به یک فعالیت جدید و درگیر شدن با آن یا روی آوردن به اجتماع و افراد دیگر ظاهر می شود که دانش آموزان دبیرستان های شهری نسبت به دبیرستان های روستایی در برابر مسائل و مشکلات خود اجتناب می کنند و با آنها روبه رو نمی شوند و در نهایت نمی توانند آنها را حل نمایند.

نتایج پژوهش نشان داد بین دانش آموزان مدارس روستایی و شهری از نظر حل مسئله تفاوت وجود دارد. با توجه به میانگین حل مسئله در دانش آموزان دبیرستان روستایی ۴۸/۲۳ و در دانش آموزان دبیرستان شهری ۶۳/۶۲ می توان گفت نمره حل مسئله در دانش آموزان دبیرستان روستایی کمتر است و از طرفی نیز مقدار F مربوط به حل مسئله برابر $F=1093/32$ و معنی دار است ($P<0/001$). بنابراین بین دو گروه از لحاظ حل مسئله تفاوت معنی داری وجود دارد. نتایج این تحقیق با تحقیقات جعفرزاده قدیمی، امامی پور، سپاه منصور و جعفرزاده (۱۳۹۳)، هانی اصل و محمدزاده (۱۳۹۷) و کولیم (۲۰۱۲) همخوان می باشد. مهارت حل مسئله، فرد را قادر می سازد تا به طور موثرتری مسائل زندگی را حل نماید. مسائلی مانند اختلافات با دوست، پدر و مادر،

همکار یا مسائلی مانند مشکلات تحصیلی. مشکلات زندگی چنانچه حل نشده باقی بمانند استرس روانی ایجاد می‌کنند. مهارت حل مسئله فرآیند تفکر منطقی و منظمی است که به دانش‌آموزان کمک می‌کند تا هنگام رویارویی با مشکلات راحل‌های متعددی را جست و جو کند و سپس بهترین راه‌حل را انتخاب نماید. مهارت حل مسئله فرآیندی شناختی رفتاری است که فرد از آن برای شناخت و کشف راه‌حل‌های سازگارانه به‌منظور رویارویی با مشکلات زندگی روزمره استفاده می‌کند (پرلا، ۲۰۰۴). در مهارت حل مسئله پیدا کردن یک راه‌حل خاص برای یک مشکل ویژه مدنظر نیست بلکه هدف دستیابی به اصل یا قانونی است که بر اثر حل مسئله به دست آمده و تعمیم پذیر به سایر موقعیت‌هاست (کوزیکوگلو، ۲۰۱۹). دانش‌آموزان دبیرستان‌های شهری به دلیل امکانات آموزشی، کلاس‌های خصوصی، معلمان خصوصی و امکانات لازم مهارت‌های حل مسئله را نسبت به دانش‌آموزان دبیرستان‌های روستایی بهتر یاد گرفتند و بهتر توانستند موفق شوند. حل مسئله کمک می‌کند تا دانش‌آموزان بهتر بتوانند آموزش ببینند، مکاشفه کنند، راه‌حل‌های مختلفی را یاد بگیرند و بهترین راه‌حل را انتخاب نمایند. هر پژوهشی دارای محدودیت‌هایی است. بیان محدودیت‌ها در پژوهش به محققانی که قصد تحقیق در زمینه‌های مختلف را دارند، کمک می‌کند تا با دیدی باز و آگاهی از موانع، کمبودها و محدودیت‌های تحقیق به امر پژوهش در زمینه‌های مشابه بپردازند. این تحقیق نیز دارای موانع و محدودیت‌هایی است که در ذیل به آن‌ها اشاره شده است: با توجه به این که جامعه آماری این پژوهش کلیه دانش‌آموزان مدارس روستایی و شهریر یاسوج بودند، لذا باید در تعمیم نتایج احتیاط به عمل آورد. پیشنهاد می‌شود این تحقیق در شهرها و استان‌های دیگر با فرهنگ‌های مختلف انجام گیرد تا از این طریق بتوان قابلیت تعمیم نتایج را افزایش داد. با توجه به نتایج پژوهش پیشنهاد می‌شود: ۱- با برگزاری کلاس‌های آموزشی و کارگاه‌های روان‌شناسی کارکنانی که از نظر تاب‌آوری نمره پایینی دارند را آموزش داد تا از این طریق بتوان میزان تاب‌آوری آنها را افزایش داد. ۲- برای کمک به راهبردهای مقابله‌ای دانش‌آموزان در مدارس معلمان و کادر آموزشی با تبیین راهبردهای مقابله‌ای کمک نمایند دانش‌آموزان از این راهبردها به نحو مطلوب و منطقی استفاده نمایند. ۳- برای کمک به دانش‌آموزان مهارت‌های حل مسئله به آنها آموزش داده شود و کادر آموزشی تلاش نمایند با آموزش حل مسئله به دانش‌آموزان این مهارت را در آنها تقویت نمایند.

منابع

- امامی مهرگانی، سعید (۱۳۹۶). رابطه چابکی و تاب‌آوری با نوآوری سازمانی. دانشگاه علامه طباطبائی، دانشکده مدیریت و حسابداری.
- بساکن‌نژاد، سودابه و بوستانی، فاطمه (۱۳۹۱). بررسی رابطه ویژگی‌های شخصیتی با راهبردهای مقابله‌ای در دانشجویان دانشگاه شهید چمران. فصلنامه علمی پژوهشی، جندی شاپور، ۳، ۳، ۴۰۰-۴۱۲.
- پودینه، محمدرضا؛ یادگاری‌فر، فاطمه و رشیدی، سعیدی (۱۳۹۸). بررسی و سنجش میزان تفاوت تاب‌آوری جوامع شهری و روستایی در برابر مخاطرات طبیعی مطالعه موردی شهرستان زاهدان. کاوش‌های جغرافیایی مناطق بیابانی، ۷ (۱)، ۱۷۹-۲۰۳.
- جعفرزاده قدیمی، اکرم؛ امامی پور، سوزان؛ سپاه منصور، مژگان و جعفرزاده، رباب (۱۳۹۳). مقایسه سبک‌های حل مسئله و باورهای خودکارآمدی در دانش‌آموزان دوره دبیرستان مدارس نمونه و عادی. نشریه آموزش و ارزشیابی، ۶ (۲۲)، ۹۹-۱۱۰.
- خانجانی، زهرا (۱۳۹۶). بررسی رابطه دلبستگی به خدا و تاب‌آوری در والدین کودکان با معلولیت چندگانه. دانشگاه علامه طباطبائی.
- رستمی، امیرمسعود؛ احدی، حسن و چراغعلی گل، هایده (۱۳۹۲). پیش‌بینی راهبردهای مقابله با استرس بر اساس ویژگی‌های شخصیتی وابستگی مواد محرک. فصلنامه اعتیاد پژوهشی سوء مصرف مواد، ۷، ۲۶، ۴۷-۵۹.
- سانتراک، جان دلبیو (۲۰۰۳). زمینه روان‌شناسی. ترجمه مهرداد فیروزبخت (۱۳۸۳)، تهران: رسا.
- سیف علی‌اکبر (۱۳۹۴). روان‌شناسی پرورشی یادگیری در آموزش، انتشارات آگاه.
- شاکه نیا، فرحناز؛ کجباف، محمدباقر و گلکاری، طاهره (۱۳۹۶). مقایسه راهبردهای مقابله‌ای و کیفیت دلبستگی دانش‌آموزان مبتلا و غیرمبتلا به اختلال وسواس بی‌اختیاری. فصلنامه سلامت روان کودک، ۴ (۲)، ۱۳۵-۱۴۵.

شاهمیرزایی، سارا (۱۳۹۶). تبیین تاب آوری تحصیلی بر اساس ویژگی های شخصیتی و راهبردهای مقابله ای در دانشجویان دانشگاه کاشان. دانشگاه کاشان، پردیس خواهران.

عباس پور، ذبیح الله؛ سالاروند، محمد و خجسته مهر، رضا (۱۴۰۳). مقایسه مادرآزاری در بین دانش آموزان شهری و روستایی شهر دورود. نشریه فرهنگی تربیتی زنان و خانواده، ۱۹ (۶۶)، ۲۲۷-۲۴۶.

غضنفری، محمدحسین (۱۳۹۹). پیش بینی سرزندگی تحصیلی بر اساس اشتیاق تحصیلی و تاب آوری تحصیلی دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه رودهن.

قریشی راد، فخرالسادات (۱۳۸۹). اعتباریابی مقیاس مقابله با موقعیت های استرس زای اندلر و پارکر. مجله علوم رفتاری، ۴، ۱، ۷-۱.

کار، آلن. (۲۰۰۴). روان شناسی مثبت: علم شادمانی و نیرومندی های انسان. مترجم پاشاشریفی، حسن؛ نجفی زند، جعفر و ثنایی، باقر (۱۳۸۵). انتشارات سخن.

محمدی، سعدی و منوچهری، سوران (۱۳۹۷). تحلیلی بر ارتباط زیست پذیری و تاب آوری جوامع روستایی مطالعه موردی: روستاهای شهرستان مریوان. برنامه ریزی فضایی، ۸ (۴)، ۸۹-۱۱۰.

محمودعلیلو، مجید؛ خانجانی، زینب و بیات، احمد (۱۳۹۵). مقایسه راهبردهای مقابله ای و تنظیم هیجان دانش آموزان دارای نشانه های اختلال های هیجانی مرتبط با اضطراب با گروه بهنجار. فصلنامه سلامت روان کودک، ۳ (۱)، ۴۱-۵۱.

ناظمی، عالیبه و هاشمی، جواد (۱۳۹۷). مقایسه نارسایی هیجانی، تاب آوری و همدلی در دانش آموزان با و بدون ناتوانی های یادگیری. نشریه ناتوانی های یادگیری، ۸ (۱)، ۹۰-۱۰۶.

ندائی، علی؛ پاغوش، عطاالله و صادقی هسنیجه، امیرحسین (۱۳۹۵). رابطه بین راهبردهای مقابله ای با کیفیت زندگی: نقش واسطه ای مهارت های تنظیم شناختی هیجان. روان شناسی بالینی، ۸ (۴)، ۳۵-۴۸.

هانی اصل، عباس و محمدزاده، زهرا (۱۳۹۷). مقایسه مهارت اجتماعی، مهارت مثبت اندیشی و سبک های حل مسئله در دانش آموزان دختر و پسر مقطع سوم متوسطه شهر زاهدان. جامعه شناسی آموزش و پرورش، ۴ (۲)، ۸۸-۹۸.

ولیان، زهرا (۱۳۹۳). بررسی مقایسه هوش معنوی و تاب آوری در دانش آموزان تیزهوش و عادی. پایان نامه کارشناسی ارشد، رشته روان شناسی عمومی، دانشگاه آزاد شاهرود.

منابع لاتین

- Alexander, J., & Harrison, A. G. (۲۰۱۳). Cognitive Responses to Stress, Depression, and Anxiety and Their Relationship to ADHD Symptoms in First Year Psychology Students. *Journal of Attention Disorders*, ۱۷(۱), ۲۹-۳۷.
- Beaver, B. R. (۲۰۰۸). A positive approach to children's internalizing problems, *Professional Psychology: Research and Practice*, ۳۹(۲), ۱۲۹-۱۳۶.
- Bilings, L. A., Mose, K. (۲۰۱۳). Cognitive and emotional control of pain and its disruption in chronic pain. *Nature Reviews Neuroscience*. ۱۴, ۵۰۲-۵۱۱.
- Boisan, B. (۲۰۱۲). Separation – individuation from family of origin and marital adjustment of recently married couples. *The American Journal of family therapy*, ۲۶ (۴), ۲۹۳ – ۳۰۷.
- Bond, F. W., & Dryden, W. (۲۰۰۴). *Handbook of Brief Cognitive Behavior Therapy*, John Wiley and Sons Ltd, The Atrium, Southern Gate, Chichester, West Sussex PO ۱۹ ۸SQ, England.
- Bozza, A. (۲۰۱۵). Developing an integrated framework to quantify resilience of urban systems against disasters, *Natural Hazards*, Vol. ۷۸, No. ۳, pp. ۱۷۲۹-۱۷۴۸.
- Cassidy, T., & Long, C. (۱۹۹۶). Problem-solving style, stress and psychological illness: Development of a multifactorial measure. *British Journal of Clinical Psychology*, ۳۵, ۲۶۵-۲۷۷.
- Cohn, K. W., Felver-Grant, J., Tom, T., & Endrulat, N. R. (۲۰۰۹). Strength- based assessment of school and emotional functioning: Sears- C AND Sears- A, Presented at the Meeting of the National Association of School Psychologists, Boston. Retrieved from

- Conner, K. M., & Davidson, J. R. T. (۲۰۰۳). Development of a new resilience scale: the Conner-Davidson Resilience scale (CD-RISC). *Depression and Anxiety*, 18, ۷۶-۸۲.
- Dembo, D. (۲۰۱۷). A history thinking in Reslenberg & E. Smith (eds), the psychology of humanthouht. Camberidg university press.
- Duncker, K. (۱۹۴۵). On problem solving. Psychological Monographs, (۵۸) American Psychological Association.
- D'Zurilla, T. J. Nezu, A. M. Maydeu-Olivares, A. (۲۰۰۴) *Social Problem Solving: Theory and Assessment*. In: Chang, E. C., D'Zurilla, T. J., Sanna, L. J. (Eds). *Social Problem Solving: Theory, Research, and Training*. Washington, D. C: American Psychological Association: ۱۱-۱۷.
- D'zurilla, T. J., Chang, E. C. & Sanna, L. J. (۲۰۰۳). "Self-esteem and social problem solving as predictors of aggression in college students". *J Soc Clin Psychol*. ۲۲(۴):۴۲۴-۴۰.
- Harlow, H. (۲۰۱۶). Human problem solving. Cambering university press.
- Holt, A. (۲۰۲۱). Adolescent-to-parent abuse: Current understandings in research, policy and practice. Policy Press.
- Lemey, R. & Ghazal, H. (۲۰۰۱). Resilience and positive psychology: Finding hope. Child and Family. ۵(۱), ۱۰-۲۱.
- Li, Z. S., & Hasson, F. (۲۰۲۰). Resilience, stress, and psychological well-being in nursing students: A systematic review. *Nurse Education Today*, ۹۰, ۱۰۴۴۴۰.
- Lundgren, J., Thiblin, E., Lutvica, N., Reuther, C., Farrand, P., Woodford, J., & von Essen, L. (۲۰۲۳). Concerns experienced by parents of children treated for cancer: A qualitative study to inform adaptations to an internet-administered, low-intensity cognitive behavioral therapy intervention. *Psycho-Oncology*, 32(۲), ۲۳۷-۲۴۶.
- Luthar, S. S., Cicchetti, D., & Becker, B. (۲۰۰۰). The construct of resilience: A critical evaluation and guidelines for future work. *Child Development*, ۷۱, ۵۴۳-۵۶۲.
- MacCaine, T. (۲۰۰۵) *Teaching for Tomorrow: Teaching Content and Problem-Solving Skills*, Thousand Oaks, CA: Corwin Press.
- Maddi, S. R & Khoshaba, D. M. (۲۰۰۵). Resilience at work, Brodway, AMA con. American management association, NY ۱۰۰۱۹
- Maddux, J. E. (۲۰۱۶). Self-efficacy. In *Interpersonal and Intrapersonal Expectancies* (pp. ۵۵-۶۰). □□□□□□□□.
- Masten, A. S., & Reed, M. G. (۲۰۰۴). Resilience in Development. In Snyder, C.R., & Lopez, S.J. (Eds.) , *The Handbook of Positive Psychology*, New York: Oxford University Press, ۷۴-۸۸.
- Mayer, R. E. (۲۰۰۳) *Learning and instruction*, Upper Saddle River, Prentice Hall, NJ.
- Mayer, R. E., & Wittrock, M. C. (۲۰۰۶). Problem solving. *Handbook of educational psychology*, ۲, ۲۸۷-۳۰۳.
- Mcvicar, A. (۲۰۱۳). Workplace stress in nursing: A Literature review. *Journal of advanced nursing*, ۴۴ (۶), ۶۴۲-۶۳۳.
- Meiner, A., Greiff, S., Gidon, T. F. and Ricarda, S. (۲۰۱۶). "Predicting Complex Problem Solving and school grades with working memory and ability self-concept". *Learning and Individual Differences* ۴۹ (۲۰۱۶) ۳۲۳- ۳۳۱.
- Mirzaie, V., Tabatabaee, S. M, Makvand, S. (۲۰۲۲). The Effectiveness of Computer-based Cognitive Rehabilitation on Working Memory and Problem Solving of High School Students. *Journal of Cognitive Psychology*; ۹ (۴):۱۲۲-۱۳۶.
- Parker, J. D. A., & Endler, N. S. (۱۹۹۶). Coping and defense. In M. Zeidner & N. S. Endler (Eds.) , *Handbook of coping* (pp. ۳-۲۳). New York: John Wiley.

- Prime, H., Wade, M., & Browne, D. T. (۲۰۲۰). Risk and resilience in family well-being during the COVID-۱۹ pandemic. *American Psychologist*, ۷۵(۵), ۶۳۱.
- Proctor, T. (۲۰۱۰) *Creative Problem-Solving for Managers: Developing Skills for Decision Making and Innovation*, London: Rutledge.
- Quilliam, S. (۲۰۱۲). *DK Essential Managers: Positive Thinking*. Penguin.
- Sheridan, C. L., & Radmacher, S. A. (۲۰۱۳). *Health psychology: Challenging the biomedical model*. New York: John Wiley & Sons.
- Suarez, M, Gomez-Baggethun, E, Benayas, J, & Tilbury, D. (۲۰۱۶). Towards an Urban Resilience Index: A Case Study in ۵۰ Spanish Cities, *Sustainability*, Vol. ۸, No. ۸, pp. ۱-۱۹.
- Sylvia, Y. C. L., Kwok, S., Yeung, J., Low, A., Lo, H. & Tam, C. (۲۰۱۵). The roles of emotional competence and social problem-solving in the relationship between physical abuse and adolescent suicidal ideation in China". *Child Abuse & Neglect* ۴۴ (۲۰۱۵) ۱۱۷-۱۲۹.
- Troy, A. S. (۲۰۲۳). Psychological resilience: An affect-regulation framework. *Annual review of psychology*, ۷۴, ۵۴۷-۵۷۶.
- West, C. P., Dyrbye, L. N., Sinsky, C., Trockel, M., Tutty, M., Nedelec, L., & Shanafelt, T. D. (۲۰۲۰). Resilience and burnout among physicians and the general US working population. *JAMA network open*, ۳(۷), e۲۰۹۳۸۵-e۲۰۹۳۸۵.
- Wright M, Banerjee R, Hoek W, Rieffe, C, Novin, S. (۲۰۱۰). Depression and social anxiety in children: differential links with coping strategies. *J Abnorm Child Psychol*; ۳۸(۳):۴۰۵-۱۹.
- Ziedner, M., & Endler, N. (۲۰۱۴). *Handbook of coping: Theory research application*. John Wiley & Son.